



ناصر ایمانی:

نگاه حاج قاسم درباره سیاست داخلی مورد احترام همه جریان‌های سیاسی کشور بود

زینب میرآخوری | حاج قاسم سلیمانی، فردی رادیکال نبود؛ برخلاف اینکه همه تصور می‌کنند یک فرد نظامی قاعدا تا باید نوع نگاهش در عرصه سیاست داخلی رادیکال باشد. در حالی که ایشان فردی بسیار منعطف بود. حاج قاسم گاهی بیانات و مواضعی داشت که حتی تعجب هم‌فکران خودش را برمی‌انگیخت. حتی به برخی مسائل اجتماعی به شکل حداقلی نگاه می‌کرد. به اعتقاد ناصر ایمانی، فعال سیاسی اصول‌گرا، حاج قاسم سلیمانی برخلاف شخصیت نظامی‌اش، فردی مهربان و منعطف بود. این ویژگی‌ها سبب می‌شد که نگاه حاج قاسم به عرصه سیاست داخلی را همه جریان‌های سیاسی کشور بپذیرند. در ادامه گفت‌وگوی وی با ویژه‌نامه آسوه را می‌خوانید.

آیا بین گفتمان سیاسی حاج قاسم و محبوبیت ایشان ارتباطی وجود دارد؟

دلیل اینکه شهید حاج قاسم سلیمانی این قدر محبوب شد، این بود که شخصیتی چندبعدی داشت، یعنی یک شخصیت ثابت نبود و فقط یک بعد وجودی نداشت، بلکه دارای ابعاد مختلف روحی و شخصیتی بود.

یک شخصیت ایشان، یک فرد بسیار مجرب و باهوش در عرصه نظامی بود که همه دشمنان حاج قاسم هم حتی به این بعد وجودی‌اش اعتراف می‌کردند. ایشان از لحاظ نظامی یک فرد بسیار پیچیده بود و انگار بالاترین درس‌های آکادمی‌های بزرگ نظامی جهان را خوانده است و بسیار بسیار باهوش بود.

جمع ابعاد شخصیتی ایشان با هم جالب است و مورد توجه گسترده قرار گرفته است. شخصیتی که این قدر در ابعاد نظامی قوی باشد، در ابعاد سیاسی، هم سیاست داخلی و هم سیاست خارجی فردی بسیار مجرب بود. ایشان هنرنمایی‌هایی در عرصه سیاست خارجی می‌کرد که دستگاه دیپلماسی ما و حتی بسیاری از کشورهای دیگر در این موضوع مانده بودند و باورش نمی‌شد که چقدر حرکت‌های سیاسی ایشان حساب شده، پخته و پیش‌بینی‌ناپذیر بود.

ویژگی دیگر ایشان این بود که در عرصه سیاست داخلی مردی بسیار فهیم و قابل اعتماد بود، یعنی همه با هر نوع نگاه سیاسی در کشور به دیدگاه سیاست داخلی حاج قاسم احترام می‌گذاشتند. این نکته در جای خودش بسیار قابل توجه بود.

حاج قاسم سلیمانی فردی رادیکال نبود؛ برخلاف اینکه همه تصور می‌کنند یک فرد نظامی قاعدا تا باید نوع نگاهش در عرصه سیاست داخلی رادیکال باشد، در حالی که ایشان فردی بسیار منعطف بود. حاج قاسم گاهی بیانات و مواضعی داشت که حتی تعجب هم‌فکران خودش را برمی‌انگیخت. حتی به برخی مسائل اجتماعی به شکل حداقلی نگاه می‌کرد. بعد دیگر شخصیت ایشان، مردمی بودنش بود. حاج قاسم بسیار محبوب بود؛ محبوب همه اقشار جامعه با هر نگاهی، افرادی که خیلی مذهبی هستند و حتی افرادی که کمتر تعلقات مذهبی دارند. همه حاج قاسم را دوست داشتند و مورد احترام همه قشرها بود. حاج قاسم به میان مردم می‌رفت و حرف‌های آن‌ها را گوش می‌کرد. ایشان از هرگونه تشریفات و تجملات، حتی مسائل حفاظتی و امنیتی فاصله می‌گرفت. کودکان مظهر عطوفت و مهربانی جوامع هستند و حاج قاسم با کودکان بسیار رابطه نزدیک و خوبی داشت.

بعد دیگر شخصیتی ایشان که بسیار جالب توجه بود، این بود که ایشان بسیار ولایت‌مدار بود به معنای واقع‌گرا. ولایت‌مداری در مواقع بسیار سخت فهمیده می‌شود. در مواقع عادی خیلی‌ها هستند که ادعای ولایت‌مداری می‌کنند، اما در مواقع سخت اگر ولایت‌مدار باشند و پشت ولی فقیه را خالی نکنند،

حرف است.

حاج قاسم دو اعتقاد جدی و بسیار محکم داشت و اصلاً مسامحه نمی‌کرد و اهل غلو نبود. یکی از آن‌ها اعتقاد بسیار عمیق و جدی بود که به شخص حضرت آیت‌الله خامنه‌ای داشت. این اعتقادش واقعا عجیب بود و بنده شخصا در سال‌های گذشته در شخصیت‌های اجتماعی و سیاسی شخصی را ندیدم که این قدر اعتقاد عمیق نه صرفاً از روی محبت خاص، بلکه از روی شناخت دقیق به رهبر معظم انقلاب داشته باشد. حاج قاسم بارها می‌گفت رهبر معظم انقلاب یک حکیم بزرگ است.

همین‌طور ایشان اعتقاد عجیبی هم به ولایت داشت. یعنی هم به مصداق و هم به مفهوم اعتقاد داشت. در مواقع بسیار سخت وقتی رهبر معظم انقلاب مطلبی می‌گفتند، حتی برخی مواقع که با نظر کارشناسی شهید حاج قاسم هم خیلی تطابق نداشت، مانند جنگ‌های سی‌وسه روزه لبنان، ایشان اجرا می‌کرد و می‌گفت از آنجا که ولی فقیه این موضوع را گفته‌اند، ما باید آن را انجام دهیم. ایشان بسیار ولایت‌پذیر بود.

همه این‌ها برای ما درس و الگوست که چنین شخصیتی که شهرت جهانی داشت، چقدر مطیع رهبر معظم انقلاب بود. او اعتقاد عمیقی به رهبر معظم انقلاب داشت و اینکه کسی را در شخصیت‌های سیاسی در این سی‌و‌اندی سال که رهبر معظم انقلاب به رهبری جمهوری اسلامی انتخاب شدند، ندیدیم که چنین باشد.

حاج قاسم در بخشی از وصیت‌نامه‌اش خطاب به بسیاين کشور نکاتی را بیان کرد. به نظر شما باتوجه به نزدیک بودن انتخابات مجلس چه میزان از این نکات مورد توجه بسیاين کشور قرار دارد؟

اگر بسیاين کشور ما واقعا حاج قاسم را به عنوان الگو قرار دهند (عمداً نمی‌گویم که رهبر معظم انقلاب را الگو قرار دهند، بلکه کسی را می‌گویم که پیرو ولایت بوده است و به گردن نظام حق دارد)، یعنی حاج قاسم را در عرصه‌های مختلف اخلاص، فداکاری، ازجان‌گذشتگی، فداشدن برای نظام و انقلاب، ولایت‌پذیری و ساده‌زیستی به عنوان الگو قرار دهند، بسیاری از مشکلات کشورمان حل خواهد شد. اکنون هم در عرصه سیاست می‌بینید که متأسفانه چقدر منیت و تکبر در میان بسیاين وجود دارد که به تفرقه منجر می‌شود.

حاج قاسم از منیت تهی شده بود و هیچ چیزی در درون ایشان که بگوید من هستم، دیده نمی‌شد. هرچه بود، برای نظام و مردم و انقلاب و محرومان نه تنها ایران، بلکه همه

منطقه در طبق اخلاص گذاشته بود.

از نظر شما حاج قاسم با نوشتن چنین وصیت‌نامه‌ای به دنبال تبیین چه مسائل و اهدافی بوده است؟

حاج قاسم می‌خواست چیزی را که تجربیات بعد از انقلابش بود، در این وصیت‌نامه بیاورد و بگوید راه نجات کشور و انقلاب این است. همان مسیری که خودش هم در آن قدم گذاشته بود. من وصیت‌نامه ایشان را مانیفست اعتقادات و تجربیات حاج قاسم می‌دانم، به اضافه اینکه ایشان مردم و بسیاين را راهنمایی کرد، با این مضمون که اگر می‌خواهید مسیر صحیح را بروید، در همین مسیری که در وصیت‌نامه آمده است، قدم بردارید.

سردار سلیمانی با وجود توجه مردم به او به چه علت هیچ‌گاه و در هیچ انتخاباتی نامزد نشد؟

همه این ویژگی‌هایی که از ابتدای گفت‌وگو درباره شهید حاج قاسم سلیمانی عرض کردم، باعث شد که یک اقبال مردمی و عاطفی به اینکه ایشان سکان مسائل اجرایی کشور را درست بگیرد، به وجود بیاید. حتی جریان‌های مختلف سیاسی هم گاه از این موضوع حمایت کردند. البته برخی هم زندانه حمایت کردند، برای اینکه بعدها بگویند کشور در دست نظامیان است و توسط نظامی‌ها اداره می‌شود. به همین دلایل هم بود که حاج قاسم همان زمان به شدت این مسئله را نفی و اعلام کرد که اصلاً قصد نامزد شدن در انتخابات ریاست جمهوری را ندارد. اما ایشان آن قدر مورد احترام و اقبال مردم کشور بود که همان‌طور که مشاهده کردید، در مراسم تشییع جنازه ایشان چه غوغایی در کشور به پا شد. همه اقشار جامعه در مراسم ایشان شرکت کردند و این‌ها صرفاً به این دلیل بود که خداوند متعال اجر تلاش‌های حاج قاسم را داد.

